

آغا احمد علی اصفهانی

در قرن نوزدهم میلادی، سرزمین بنگاله پیشتر از مولوی آغا احمد علی اصفهانی هیچ شخصیت برجسته‌ی زبان فارسی را ندیده بود که در ایام جوانی با غالب دهلوی در میدان علم و ادب مقابله کند و در سراسر هند، میان دانشمندان فارسی شهرت یابد و مرتبت علمی با ارزشی پیدا کند.

مولوی آغا احمد علی اصفهانی، یکی از برجسته‌ترین دانشمندان زبان فارسی در بنگاله به حساب می‌آید. وی در دهم شوال‌المکرم سال ۱۲۵۵/هـ ۱۸۳۹ م. در محل جهانگیرنگر^۱ در شهر داکا متولد گردید. بعضی او را به مناسبت نام زادگاهش «جهانگیرنگری» هم می‌گفتند. ماده تاریخ تولد او «مظهر علی» است که از آن سال ۱۲۵۵ هجری برمی‌آید.^۲ اجدادش از اصفهان مهاجرت نموده همراه نادرشاه به هند آمدند و در سرزمین بنگاله متوطن شدند. نام پدرش شجاعت علی بود و جدش عبدالعلی نام داشت که در عهد خود در فن خوشنویسی شهرتی بسزا داشت.^۳ آغا احمد علی از شاه جلال‌الدین بخاری^۴ و از خواجه اسدالله کوکب، زبان‌های عربی و فارسی را فراگرفت. وی به زبان فارسی و اردو شعر هم می‌سرود و احمد تخلص می‌کرد.^۵ در میانه قرن نوزدهم میلادی کلکته مرکز علم و ادب گردیده بود، زیرا از اطراف و جوانب شعرا، ادبا و نویسندگان فارسی در کلکته گرد آمده بودند و گل‌های شعر و ادب به زبان

۱. آغا احمد علی اصفهانی، مؤید برهان، ص ۱.

۲. کلیم سهرامی، بنگال مٹلاب. شناسی، ص ۳۸.

۳. همان.

۴. خالد حسینی، بولپلیتی کی فارسی، ص ۲۸۲.

۵. بنگال مٹلاب. شناسی، ص ۵۱، پاورقی ۴.

فارسی می‌شکفتند. به همین سبب، آغا احمد علی در سال ۱۲۷۹ هـ/ ۱۸۴۲ م. از داکا به کلکته منتقل شد و به مناسبت نام خود مدرسه‌ای به نام «مدرسه احمدیه» در محله تالتله (Taltalla)^۱ در شعر کلکته تأسیس کرد و در همان مدرسه به درس و تدریس پرداخت ولی متأسفانه بعد از مرگ وی، مدرسه مزبور شکار عدم وجود گشت.^۲

ذوق و شوق احمد علی به زبان و ادبیات فارسی آنقدر بوده که در داکا یا در انجمن آسیایی کلکته هیچ کتابی از مطالعه‌اش باقی نمانده بود. در آن زمان، در کلکته خاورشناس معروف، هنری بلاک مین (Henry Block Man) و پروفیسور کاویل (Prof. Cowell) در دانشکده سانسکریت در کلکته درس می‌دادند، ایشان از علم و دانش آغا احمد علی، خیلی سود بردند و از او کسب فیض نمودند. بنا به گفته پروفیسور مجیب‌الرحمن، آغا احمد علی، معلم خصوصی پروفیسور کاویل بود که شصت رویه حقوق ماهانه از وی دریافت می‌نمود.^۳ سپس در سال ۱۸۶۴ م. به سفارش کاویل، آغا احمد علی در مدرسه کلکته به عنوان آموزگار فارسی منصوب شد و سپس انجمن آسیایی کلکته هم با هدف استفاده از خدمات ارزنده احمد علی، وی را به مدیریت مطبوعات عربی و فارسی گماشت.^۴ آغا احمد علی در حدود نه سال در آن انجمن خدمتگزاری کرده به هنگام جوانی در سن ۳۵ سالگی در اثر بیماری تب در ششم ربیع‌الثانی سال ۱۲۹۰ هـ ژوئن ۱۸۷۳ م. در داکا زندگانی را بدرود گفت.^۵ شاعر نامدار کلکته عبدالغفور نساخ که معاصر و مداح احمد علی بود ماده تاریخ وفاتش را از شعر «واصل حق آغا احمد» استخراج کرد که از آن ۱۲۹۰ هجری برمی‌آید.^۶ آثار گرانبهای احمد علی به زبان فارسی که باعث درخشش وی در افق علم و ادب شد، عبارتند از:

1. Mujibur Rahman: History of Madrasa Education, P. 282.

۲. مقدمه «هفت آسمان» تصنیف آغا احمد علی که آن را هنری بلاک مین تصحیح و ترتیب داده با مقدمه‌ای مزین نمود و بعدها از چاپخانه بیپتست میسن کلکته (Baptist Mission Calcutta) در ۱۸۷۳ میلادی منتشر کرد. هنری خاورشناس معروف در آن وقت در کلکته می‌زیست.

۳. مجیب‌الرحمن، ص ۲۸۲.

۴. همان.

۵. ر. ک. مقدمه «هفت آسمان».

۶. بنگال ٹیبلٹ. شناسی، ص ۴۰.

«مؤید برهان»، «شمشیر تیزتر»، «هفت آسمان»، «ترانه اشتقاق» و «رساله ترانه» و غیره که هر یک از آنها در ادامه شرح داده می‌شود:

۱. مؤید برهان

این تصنیف احمد علی در فنّ فرهنگ نویسی، یکی از شاهکارهای بزرگ وی می‌باشد که در تأیید «برهان قاطع» تألیف گردید.^۱ این تصنیف گرانمایه مشتمل بر ۴۸۴ صفحه است و در چاپخانه «مظهرالعجایب» در محله «تالته» در کلکته در سال ۱۲۸۲ هـ/ ۱۸۶۴ م. چاپ گردید. میرزا غالب دهلوی که بدون شک در زبان فارسی استعداد کاملی داشت، چون «برهان قاطع» را مطالعه نمود، نظر انتقاد آمیز او بر بعضی از اغلاط «برهان قاطع» افتاد و آنها را به شکل کتابی ترتیب داده به نام «قاطع برهان» در سال ۱۸۶۲ م. منتشر گردانید. بعدها همان تصنیف را با تصحیح و اضافه به نام «درفش کاویانی» در سال ۱۸۶۵ م. انتشار داد. وقتی که آغا احمد علی در این دو تصنیف غالب دهلوی یعنی «قاطع برهان» و «درفش کاویانی» به مطالعه عمیق پرداخت، نظر انتقادی‌اش نحو است که خاموش بنشیند و او هم در برابر غالب دهلوی، در ردّ این تصانیف «مؤید برهان» را تألیف نمود. آغا احمد علی احمد، خود سبب تصنیف «مؤید برهان» و تنازع ادبی با میرزا غالب دهلوی را این چنین شرح می‌دهد:

«اما بعد نیازمند درگاه الهی احمد علی احمد متخلص به احمد ابن آقا شجاعت علی اصفهانی، با اصالت جهانگیرنگری نسخه «قاطع برهان» که تراویده رگ کلک «اسدالله خان غالب» تخلص و عرف «میرزا نوشته» است از هندوستان زیب طبع یافته به کلکته آمد و به نظرم رسید، دریافتم که حضرت غالب با

۱. «برهان قاطع» تصنیف معروف زمانه در موضوع فرهنگ‌نویسی است که آنرا دانشمند برجسته زبان فارسی، ابن خلف التبریزی محمد حسین المتخلص به «برهان» تألیف نمود. وی در عهد سلطان عبدالله قطب شاه بن قطب شاه که یکی از سلاطین قطب شاهیه دکن بود، در شهر حیدرآباد زندگی می‌کرد. این تألیف با تصحیح و ترمیم کاپیتان تامس رویک (Captain Thomas Rebuck) ممتحن عربی و فارسی و هندی و برج بهاشا مدرسه عالییه و فورت ویلیام در عهد حکومت هسیتیگ گورنر ژنرال بهادر در سال ۱۸۱۸ میلادی چاپ شده است (ر.ک به دیباچه ص ۷)

وصف قدردانی زبان فارسی و دوست داشتن گفتار باستان و با همه دعوی زباندانی، با محمد حسین تبریزی که تخلص برهان دارد، درآویخت و از عرصه برهان قاطع که تألیف این بزرگوار است، گرد برانگیخت و هزارها نازک تنان الفاظ صحیحه را به زیر تیغ قلم کشید... و مشاهده این اعتراض‌ها در درونم آتشی بر افروخت و بر نازنین پیکران الفاظ دلم سوخت، بنابر آن، با حضرت غالب طرف شدم و جانب برهان ستم رسیده گرفتم و کتب مأخذ برهان اگرچه همه به پیش فقیر نیست مگر «مؤیدالفضلاء» و «فرهنگ جهانگیری» و «مجمع‌الفرس سروری» که در فن لغت خیلی معتبرند و نیز دیگر کتب که پیش خودم داشتم، همه را ورق ورق کافتم و آنچه از گفتار اینها تحت الفاظ قلم کشیده یافتم نقل نمودم و از آنجا که این نگارش به تأیید برهان است، او را «مؤید برهان» نام کردم^۱.

از اقتباس تصنیف مزبور پیداست که آغا احمد علی با درک و کنجکاوی بسیار و مطالعه عمیق هر دو تصنیف، مجبور به نگاشتن «مؤید برهان» گشت که در حقیقت، در اعتراض غالب دهلوی، جوابی دندان شکن می‌باشد. حالا نظرات دانشمندان زبان و ادبیات اردو و فارسی درباره تعریف و توصیف «مؤید برهان» نقل می‌شود:

از آن جمله، سید اقبال عظیم است که می‌نویسد:

”جهان می‌داند که غالب اعتراضات زیادی بر لغت معروف فارسی یعنی «برهان قاطع» نموده بود و آن را به شکل رساله «قاطع برهان» به چاپ رساند. چندین نفر از بنگال در حمایت از برهان قاطع به اعتراضات غالب جواب دادند و چندین رساله در این زمینه منتشر شد. مثلاً «محترق» از سعادت و «ساطع برهان» از میرزا رحیم بیگ و غیره ولی در این زمینه تصنیف ارزشمند «مؤید برهان» از همه بهتر است که در آن به هر اعتراض میرزا (غالب) پاسخ داده شده است و اهل زبان می‌گویند که اغلب آنها دلائل معقول هستند“^۲.

۱. مؤید برهان، ص ۱-۴.

۲. اقبال عظیم، مشرقی بنگال میں اردو، ص ۴۳.

من از آن منازعه علمی و ادبی که مابین آغا احمد علی و غالب دهلوی افتاده بود، صرف نظر کرده فقط به تقدیم تقاریض «مؤید برهان» اکتفا می‌کنم که آنها را دانشمندان و دوستان آغا احمد علی به زبان نظم و نثر نوشته‌اند. یکی از آنها سید محمد شیدا در تعریف و توصیف احمد علی اینطور می‌سراید:

همه برهان قاطع بهر طالب به ردّ «قاطع برهان» غالب
 ز احمد آن معانی مجسم جهان علم و حلم او را مسلم
 سریر آرای ملک خوش بیانی شهنشاه جهان نکته‌دانی
 به علم و فضل در عالم یگانه وحید عصر و یکتای زمانه
 علم افراز اقلیم معانی سراپا علم و شخص نکته‌دانی
 امام پارسی دانان ایام دل او بهره‌یاب از فیض الهام^۱

خواجه عبدالرحیم صبا رئیس اعظم داکا می‌گوید:

از تصانیف احمد ذی شان ختم شد چون موید برهان
 گفت طبع رسای من تاریخ کرد تردید قاطع برهان^۲

همچنین مولوی نصیرالدین احمد منصف درجه اول در داکا راجع به مؤید برهان و

صاحب آن چنین می‌نویسد:

“... فرخنده کتابی است به نام «مؤید برهان» نشانمند خجسته نامه‌ای است به تحقیق و تدقیق لفظ و معنی دلپسند رشحه کلک دریا بار سخن سنج والا مناقب جناب فضائل انتساب آقا احمد علی صاحب که به غایت تحقیقش پرداخته یعنی بایسته جوابی است که به سوگیری برهان قاطعش نگاشته قاطع برهان را دندان کند کرده غالب را مغلوب ساخته“^۳.

مولوی سید ریاض‌الله که نویسنده پیشین روزنامه «دوربین» و فردی سرشناس

است می‌گوید:

۱. مؤید برهان، ص ۴۵۶.

۲. همان.

۳. همان.

«... سخندان گرانمایه، زبان آور والاپایه، محقق پارسی زبان، زبان آور همدان، واقف رموز خفی و جلی مولوی آغا احمد علی... به رساله مؤید برهان که در جواب قاطع برهان مؤلف و میرزا اسدالله خان غالب تألیف ریخته است همانا گرد از ساختکده تحقیقاتش انگیخته سیف مسلول براهین قاطع برای قطع برهان حریف آهیخته و شمع روشن دلایل ساطع پیش رخس افروخته... غالب زورآور را به تحقیقات بالغه به فن و فرج تصرفات کلام، مغلوب آورده»^۱.

به علاوه، دیگر دانشمندان فارسی و دوستان آغا احمد علی همچون مولوی ذوالفقار علی، مولوی عبدالرحیم، مولوی عزیزالرحمان، مولوی محمد اشرف خان و مولوی غلام علی سرور که همه آنها آموزگاران مدرسه عالی و مدرسه احمدیه بودند، درباره شخصیت ارجمند آغا احمد علی و تصنیف گرانمایه اش یعنی مؤید برهان مشتمل بر نثر و نظم گل‌های تعریف و توصیف انباشته‌اند که از صفحه ۴۵۵ تا ۴۶۸ به عنوان مدیحه نقل شده است.

۲. شمشیر تیزتر

چون میرزا غالب از انتشار و اشاعت «مؤید برهان» که در ردّ «قاطع برهان» به رشته تحریر درآورده شده، مطلع گشت، دوباره در جوابش رساله‌ای مختصر به نام «تیغ تیز» به زبان اردو نگاشت که اولین بار در سال ۱۸۶۷ م، در چاپخانه «اکمل المطابع» به چاپ رسید^۲. ولی آغا احمد علی که هم‌متی عالی داشت، از جواب غالب خسته نشد و به تیر و تفنگ علم و دانش مسلح شده در جواب «تیغ تیز» رساله‌ای به نام «شمشیر تیزتر» نگاشت. چنانکه در آغاز تصنیف می‌گوید:

«اگر چه مرا احتیاج گفتگو در خصوص این رساله هندی نبود، زیرا که آنچه در این رساله است به جواب مؤید برهان تعلقی ندارد و تیغش نمی‌برد و او هرچه در این رساله می‌گوید: جواب آن بیشتر در مؤید برهان از پیش‌تر موجود

۱. مؤید برهان، ص ۴۵۶.

۲. مالک رام، ذکر غالب، ص ۱۷۸.

است... بنابراین، رساله‌ای در کشف جوهر تیغ نوشتم و به مقابله تیغ تیز که به زیادت لفظ یکی ماده تاریخ آن است، «شمشیر تیزتر» (۱۸۶۷) را نام تاریخی این یافتم^۱.

رساله‌ای منظوم مشتمل بر ۱۵ صفحه شامل این تصنیف است: اول یک قطعه طولانی، دارای ۳۰ بیت شعر است که میرزا غالب علیه آغا احمد علی سروده نزد وی فرستاد که میان هر دو باعث نزاع گردید. نقل برخی از شعرهای قطعه، خالی از علاقه‌مندی نباشد، غالب می‌سراید:

| | |
|--|---|
| مولوی احمد علی احمد تخلّص نسخه‌ای | درخصوص گفتگوی پارس انشا کرده است |
| انتقام جامع «برهان قاطع» می‌کشد | آنچه ما کردیم با او خواجه با ما کرده است |
| می‌کند تأیید برهان لیک برهان ناپدید | نیست جز تسلیم قولش هرچه انشا کرده است |
| بهر من توهین و بهر خویش تحسین جا به جا | هم مرا هم خویش را در هر سورا کرده است |
| زشت گفتم لیک داد بذله سنجی داده‌ام | شوخی طبیعی که دارم این تقاضا کرده است |
| چون نباشد باعث تشنیع جز رشک و حسد | باد غالب خسته‌تر گر خسته پروا کرده است ^۲ |

در جواب قطعه غالب، «مولوی عبدالصمد فدا سلهتی» که شاگرد آغا احمد علی بود، قطعه‌ای طولانی مشتمل بر ۴۶ بیت شعر نوشت که بخشی از آن در ادامه نقل می‌شود:

فرق حق و باطل ای صاحب‌نظر بشنو ز من
گر ترا جویای حق ایزد تعالی کرده است
من کیم عبدالصمد در شعر نام من فدا
شهر سلهت مولدم ایزد تعالی کرده است
من یکی از کمترین خدام آغا احمدم
چون بدیدم معترض این شکوه بی‌جا کرده است
پاسخ اقوال بی‌جایش نوشتم بی‌درنگ
کرده‌ام ابطال هر یک آنچه ایما کرده است

۱. آغا احمد علی، شمشیر تیزتر، ص ۲-۳.

۲. همان، ص ۱-۴.

رنگ دارد علم از کاری که میرزا کرده است
رنگ دارد علم از کاری که آغا کرده است

چیست جز این موجب خرسندی تو ای فدا

اوستادت خواجه را تعلیم جاها کرده است^۱

در این نزاع ادبی که چهره آن از نثر به نظم منتقل شد، شاگردان هر دو یعنی غالب و احمد نیز درگیر شدند و یکدیگر را به زبان شعر و سخن جواب دادند و تذلیم و بدگویی کردند. از طرف غالب، «منشی باقر علی باقر» و «سید فخرالدین حسین سخن دهلوی» که هر دو شاگردان وی هستند، به زبان شعر به مولوی عبدالصمد فدااسلهتی پاسخ دادند. جواب آنها به ترتیب مشتمل بر ۳۴ و ۳۶ بیت شعر است که برای پرهیز از اطاله کلام، از نقل آن احتراز می‌شود.^۲ حال در مورد «شمشیر تیزتر» به بیان اطلاعاتی پرداخته می‌شود.

این رساله مشتمل بر ۱۰۶ صفحه و دارای قطعاتی است. در این تصنیف، آغا احمد علی، نخستین فرهنگ‌های فارسی قدیم و مصطلحات را معرفی کرده است بویژه تألیف سروری کاشانی یعنی «مجمع‌الفرس» و تألیف جمال‌الدین حسین انجو یعنی «فرهنگ جهانگیری» را که آغا خودش به طور مستقیم از آن استفاده کرده است. در آن، مباحث علمی میان احمد علی و میرزا غالب از صفحه ۳۰ تا صفحه ۱۰۴ درج است و سپس با عبارت ذیل این تصنیف به پایان رسیده است:

”به همین قدر اکتفا نمودم و راه خموشی پیمودم... انشاءالله تعالی دیگر با او

در این باب سخن نکنم، سخن به پایان انجامید و رساله به پایان رسید“^۳.

یعنی آغا احمد علی از میرزا غالب اظهار بیزاری نموده روی از طرف او برگرداند؛ چنانکه از اقتباس بالا روشن است. درباره این رساله، در ادامه، به نقل قطعه‌ای از ماده تاریخ آن پرداخته می‌گردد:

چون یافت اختتام ز توفیق ایزدی این نامه خجسته و فرخندگی اثر

۱. شمشیر تیزتر، ص ۴-۷.

۲. همان، ص ۷-۱۱.

۳. همان، ص ۱۰۴.

گفتم به خامه ای ز تو شرمنده تیغ تیز وی جوهر تو ریخته آب درّ و گهر
شمشیر تیزتر چو سیه تاب کرده‌ای هم ده نشان سال ز شمشیر تیزتر^۱
(۱۸۶۷ م)

بعد سه قطعه از صفحه ۱۰۵ تا ۱۰۶ به ترتیب اثر خامه مولوی محمد اشرف خان، معلم مدرسه احمدیه، امداد علی متخلص به «مضطر» و نویسنده این رساله درج شد که آن هم مشتمل بر تعریف و توصیف رساله و مؤلف آن بود که با اهمیت و ارزشمند است. قطعات با زبان و ذوق ادبی و شعر و سخن شایان ذکر آمیخته با لطافت طبع و قابل توجه می‌باشد که نقل می‌شود:

همیدون به ترویج فنّ لغت بیمبر به تحقیق احمد بود
به فنّ ادب او حریری وقت به اوج دبیری عطارد بود
نوشتیم سالتش ز روی برش اسد کشته از ضرب احمد بود
(۱۸۶۸ م)

شمشیر تیزتر کتاب دلچسپ پوشید لباس جوهر طبع کمال
مضطر ز سر آب دم خنجر فکر شمشیر تیزتر نوشته پی سال
(۱۲۸۶ ه)

شمشیر چو تیز گشت بر سنگ ببرد اجل طناب ترکی
کاتب بنوشت سال طبعش ترکی داده جواب ترکی^۲

در قطعه اوّل و سوم، اشاره به میرزا غالب است که وی در میدان بحث علمی از آغا احمد علی شکست خورد و به سبب ضعف و ناتوانی با احمد علی جرات مبارزه پیدا نکرد و سکوت کرد.

۳. رساله ترانه

یکی از آثار آغا احمد علی با موضوع رباعی و اوزان آن که خیلی سودمند می‌باشد و در ۱۷ صفحه به سال ۱۲۸۴ ه/۱۸۶۷ م. در کلکته چاپ شد.

۱. شمشیر تیزتر، ص ۱۰۴.

۲. همان، ص ۱۰۵-۱۰۶.

ارزش و اهمیت رساله از اینجا روشن می‌شود که رساله مستشرق معروف «هنری بلاک مین» رئیس مدرسه کلکته با توضیح نکات رباعی و زندگی‌نامه آغا احمد علی مشتمل بر ۷ صفحه به زبان انگلیسی در آن موجود است.

احمد علی پس از حمد و صلوات، در ضمن رباعی حکایتی بیان می‌کند که نشان دل‌بستگی اوست. وی شرح می‌دهد:

”بدان که به اتفاق جمیع ارباب فن، رباعی همچون مثنوی و غزل و تخلص و ردیف و حاجب از مخترعات عجم است. در تذکره دولتشاه سمرقندی نوشته حکایت کنند که یعقوب بن لیث صفار در دیار عجم اوّل کسی که بر خلفای عباسیه خروج کرد او بود. پسری کوچک داشت و بغایت او را دوست می‌داشت. روز عید، آن کودک با کودکان جوز می‌باخت. امیر به سر کودکان رسید و به تماشای فرزند ساعتی بایستاد. فرزندش جوز بینداخت. هفت جوز بگو افتاد یکی بیرون جست امیرزاده ناامید شد. پس از لمحهای، آن جوز نیز بر سبیل رج‌القهری به جانب گو غلطان شد. امیرزاده مسرور گشت و از غایت ابتهاج بر زبانش گذشته:

غلطان غلطان همی رود تا لب گو

یعقوب را این کلام به مذاق خوش آمد. ندما و وزرا را حاضر کرد و با ایشان در میان آورد که این را چه باید گفت؟ گفتند این از جنس شعر است و به اتفاق به تقطیع و تحقیق مشغول شدند و این مصراع را نوعی از هزج یافتند. مصراعی به تقطیع موافق آن بر این مصراع افزودند و یک بیت دیگر موافق آن ضم ساختند و دو بیتی نام کردند، فضلا لفظ دو بیتی را نیکو ندیدند، گفتند که این چهار مصراع است؛ رباعی نیز می‌شاید گفتن و چند گاه اهالی و افاضل به رباعی مشغول بودند، خوش خوش به اصناف سخن در پیوستند“^۱.

۱. آغا احمد علی، رساله ترانه، ص ۱-۲.

در حکایت مزبور فقط یک مصرع شعر که بر زبان امیرزاده گذشته، چطور یعقوب را بر انگیخت که وی با مشورت اکابر این فن شعر، سه مصرع دیگر موافق آن دریافت نموده که مشتمل بر چهار مصرع، یک رباعی گشت. آغا احمد علی که این موضوع را خیلی دوست می‌داشت، با مطالعه عمیق و درک و کنجکاوی به اوزان فن رباعی، رساله‌ای تصنیف کرد. وی در وجه تسمیه این رساله، اینطور توضیح می‌دهد:

”در وجه تسمیه رباعی به ترانه می‌توان گفت که ترانه در لغت به معنی سرود و نغمه و نوعی از سرود است و چون این قسم نظم را بیشتر می‌سرایند، بدین نامش خواندند. ملا حسین کاشفی گوید:

رباعی را به تصریح بیت اول ضرور است. سپس اگر مصرع سوم نیز مقفی باشد آن را رباعی مصرع گویند و مصرع سوم اگر بی‌قافیه باشد آن را خصی خوانند انتهی. در مجمع الصنایع است مصرع سوم او را قافیه شرط نیست. در هفت قلم است و اگر باشد این را رباعی ترانه نامند“^۱.

از اقتباس فوق روشن می‌شود که آغا احمد علی در ضمن موضوع، از ملا حسین واعظ کاشفی خیلی استفاده نموده است و این رساله را به اسم «ترانه» موسوم کرد. سپس آغا احمد علی، درباره پیشرفت سخنگویی به زبان فارسی بحث کرده است و ضمناً با نقل مراجع ملا حسین واعظ کاشفی، رساله‌اش را خیلی پر ارزش و با اهمیت گردانده است که در این باره، زحمات و تحقیقات وی در خور توجه می‌باشد. سید اقبال عظیم در ضمن اهمیت رساله می‌گوید:

”آقای احمد علی رساله‌ای به نام «ترانه» هم نوشته است که درباره اوزان است و آرای اهل زبان در آن مطرح شده است. قبل از آن در این موضوع کسی مطلبی ننوشته بود. با مطالعه این کتاب معلوم می‌شود که او در علم عروض چقدر مسلط بود“^۲.

۱. آغا احمد علی، رساله ترانه، ص ۳-۴.

۲. مشرقی بنگال میں اردو، ص ۴۴.

۴. هفت آسمان

این تصنیف گرانبهای آغا احمد علی مشتمل بر ۱۸۴ صفحه همراه پیشگفتار از قلم هنری بلاک مین به زبان انگلیسی است و از چاپخانه «بابتیست مشن پریس» در کلکته در سال ۱۸۷۳ م. چاپ شده است. موضوع آن هفت بحر مثنوی فارسی است؛ لذا آن را «هفت آسمان» نام کرد. چنانکه مصنف شرح می‌دهد:

«امیدواری از کرم باری آنکه این نسخه نیز همچو رساله ترانه‌ام پیرایه قبول یابد و به نظر انصاف ملحوظ گردد و چون نزد محققان فن، اوزان مثنوی هفت می‌باشد و این رساله، اصالتاً در بیان آن است، این را «هفت آسمان» نام کردم»^۱.

سپس، وی بحث را به تعریف و تحقیق مثنوی، وزنهای آن و طرز مثنوی گویی کشانده است. بعد از آن، در صفحات ۶-۲۵ از پانزده تن از شعرای متقدم فارسی‌گوی نام برده است که در فن مثنوی طبع آزمایی کرده‌اند؛ سپس، با عنوان «آغاز اوزان مثنوی» هفتاد و هشت استاد قدیمی دیگر را ذکر نموده و درباره مطالعات ایشان در مثنوی، شرح داده است. به علاوه، در صفحه ۷۱ به ذکر نام عدّه‌ای از مصرع‌گویان پرداخته است که با «بسم الله الرحمن الرحیم» طرح یک مصرع فارسی را ریخته‌اند، مثلاً میرزا علاء‌الدین قزوینی نامی یکی از شعرای دوره اکبری، عبدالأحد وحدت نبیره حضرت سید احمد مجدّد «الف ثانی»، خواجه اسدالله کوکب یکی از شعرای بزرگ جهانگیرنگر، مولوی ذوالفقار علی معنی مرشدآبادی و میر غلامعلی آزاد بلگرامی و غیره^۲.

هفت آسمان راجع به تاریخ مثنوی فارسی، معلومات ارزنده‌ای دارد چنانکه بلاک مین می‌نویسد:

«کتاب دارای تاریخ ارزنده مثنوی پارسی است و در شکلی کامل اطلاعات با ارزشی درباره شعرا و آثار آنان را می‌توان در آن یافت»^۳.

۱. هفت آسمان، ص ۱-۲.

۲. همان، ص ۶-۱۷۴.

۳. همان، ص iv.

۵. رساله اشتقاق

آغا احمد علی در موضوع دستور فارسی رساله‌ای به نام «رساله اشتقاق» در سال ۱۸۷۲ م.^۱ تألیف کرد که برای دانش‌آموزان مقدماتی فارسی خیلی سودمند می‌باشد. وی، این رساله را به زبان ریخته چاپ کرد^۲ که متأسفانه الان موجود نیست. علاوه بر آنچه از آثار فارسی آغا احمد علی در صفحات گذشته معرفی شد، وی آثار دیگری نیز ترتیب داده و تصحیح کرده است که در این بخش به ذکر آن پرداخته می‌شود:

«مآثر عالمگیری» تألیف «ساقی مستعد خان» را احمد علی مرتب و تصحیح کرده است. از دیگر متون فارسی مثلاً «ویس و رامین» تألیف فخرالدین جرجانی، «سکندرنامه بحری» یا «اقبال نامه سکندری» تألیف نظامی گنجوی، «اقبال‌نامه جهانگیری» تألیف معتمدخان و «اکبرنامه» تألیف ابوالفضل را احمد علی با همکاری دیگر دانشمندان فارسی در کلکته مرتب و تصحیح نموده است که همه این آثار را انجمن آسیای بنگاله (Asiatic Society of Bengal) چاپ کرده است.^۳

همه این آثار فارسی که تصنیف و تألیف یا ترتیب و تصحیح می‌باشند، بر این دلالت می‌کند که آغا احمد علی اصفهانی، شخصیت برجسته و دانشمند زبان و ادب فارسی در بنگاله بود که میرزا اسدالله خان غالب از او خیلی تأثیر پذیرفته و دیگر استادان فارسی و دانشمندان بنگاله آغا احمد علی را به عنوان محقق بزرگ فارسی و ناقد برجسته زمان قبول داشتند.

۱. رک به مقاله دکتر محمد فیروز به عنوان "Agha Ahmad Ali Ahmad: A Persian Scholar of Nineteenth Century Bengal" (Indo- Iranica, vol. 59, No. 324, P. 52, Calcutta) دکتر محمد فیروز دانشمند معروف زبان و ادب فارسی در کلکته زندگی می‌کند. وی چاپ «رساله اشتقاق» را سال ۱۸۶۹ میلادی قرار داده است.

۲. همان، ص ۵۳.

۳. رک به "Biographical Notice" by: H. Block Man of "Haft Asman" P.iii.

منابع

۱. اصفہانی، آغا احمد علی، موید برہان، کلکتہ ۱۲۸۲ ہجری.
 ۲. حسینی، خاکسار، ولایتی کی فارسیء مہماں، کلکتہ ۱۹۹۷ میلادی.
 ۳. رام، مالک، ذکر غالب، دہلی نو ۱۹۷۶ میلادی.
 ۴. سہرامی، کلیم، بنگال مہتاب، شناسی، داکا ۱۹۹۰ میلادی.
 ۵. عظیم، اقبال، مشرق بنگال میں اروو، داکا ۱۹۵۴ میلادی.
 ۶. علی، آغا احمد، رسالہ ترانہ، کلکتہ ۱۸۷۶ میلادی.
 ۷. علی، آغا احمد، شمشیر تیزتر، کلکتہ ۱۸۶۸ میلادی.
8. Rahman, Mujibur, History of Madrasa Education, Calcutta 1979.